



ویژه نامه موکب معلمان حسینی
بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان فارس
چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹ قیمت: صلوات

این همه خونین کفنان

گفتگو با استاد محمد حسین انصاری | صفحه ۸



هویت تاریخی در اربعین

گفتگو با دکتر سجاد صدیقی | صفحه ۶



از دور سلامی و تواز دور جوابی...

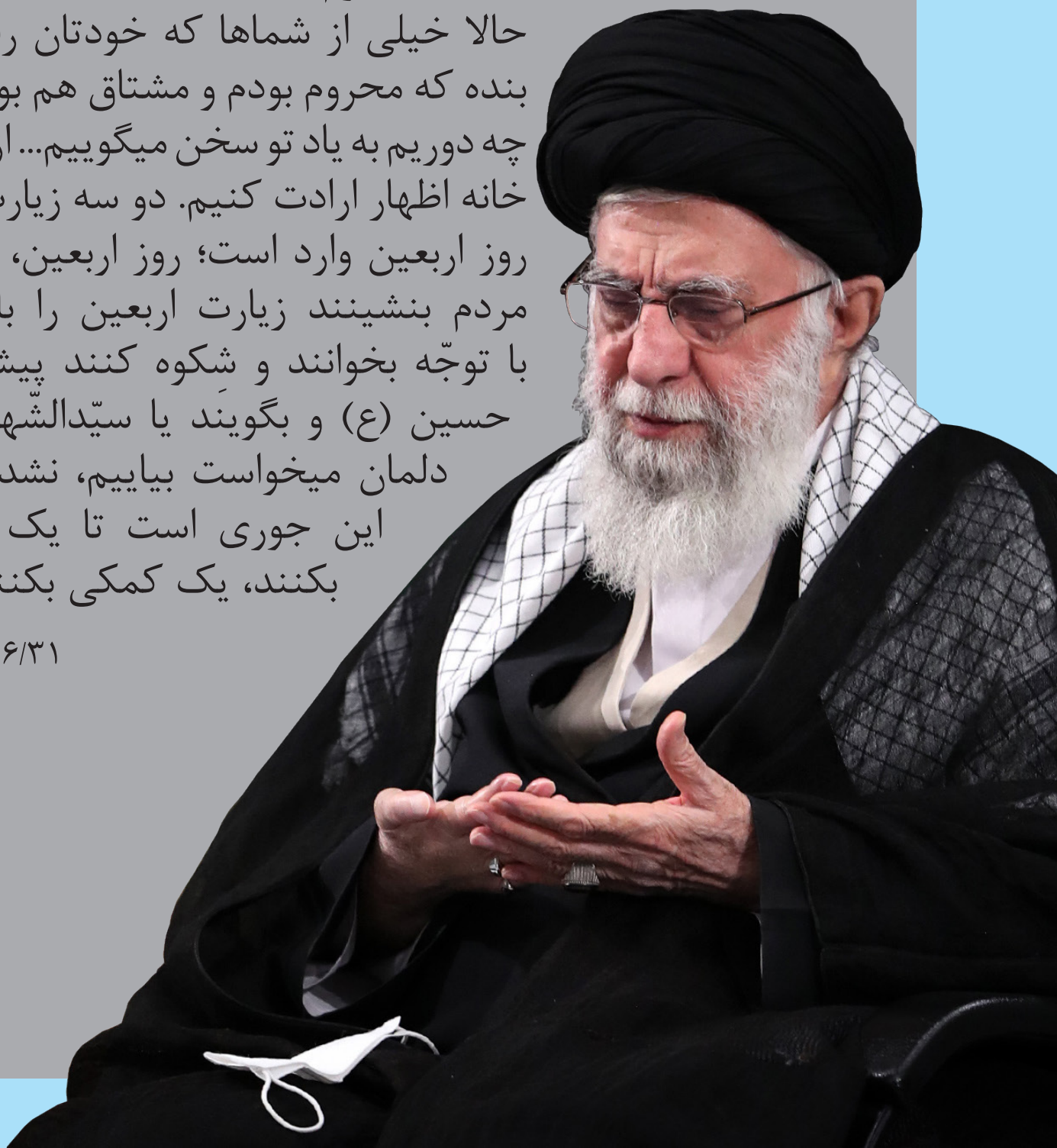
این فاصله انگار نه انگار زیاد است

#اربعین_در_دل‌های_ما_جاریست

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم...

حالا بحث اربعین پیش آمده، بعضی‌ها خب عاشق امام حسین هستند، عاشق اربعینند؛ [خب،] معلوم است، همه‌ی ما [هستیم]؛ حالا خیلی از شماها که خودتان رفته‌اید، بنده که محروم بودم و مشتاق هم بودم، گر چه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم... از داخل خانه اظهار ارادت کنیم. دو سه زیارت مهم روز اربعین وارد است؛ روز اربعین، همه‌ی مردم بنشینند زیارت اربعین را با حال، با توجه بخوانند و شکوه کنند پیش امام حسین (ع) و بگویند یا سیدالشهداء، ما دلمان می‌خواست بیایم، نشد، وضع این جوری است تا یک نظری بکنند، یک کمکی بکنند.

۱۳۹۹/۰۶/۳۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ویژه نامه موکب معلمان حسینی
با همکاری نشریات دانشجویی دانشگاه فرهنگیان فارس

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان فارس

مدیر مسئول: عباس نعمتی

شورای سردبیری: محسن خلیلی

محمد جواد دژکوهی

علی شیرازی

رضا صادقی

پژمان ملایی

عباس نعمتی

طراح: عباس نعمتی

هیئت تحریریه: مهدی اکبر نژاد

حمیدرضا جعفری زاده

نیما دهقان

نگار رنجبر

سید هادی زندوی

محمد صفری

پری فهندژ سعدی

حمیده نوروزی

سارا نظری دالینی

فهرست:

حواست هست به موهای سفید سرم | صفحه ۳

کربلا... | صفحه ۴

عزاداری و کرونا | صفحه ۴

همسفر کربلا | صفحه ۵

هویت تاریخی در اربعین | صفحه ۶

این همه خونین کفنان | صفحه ۸

عزیز دیر مغان | صفحه ۱۰

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم | صفحه ۱۰

تربیت اربعینی | صفحه ۱۱

تربیت در محرم و صفر | صفحه ۱۲

اربعین و ظهور | صفحه ۱۳

تمدن سازی در اربعین | صفحه ۱۴

از این ستون به آن ستون | صفحه ۱۵

سر بر خاک دهکده | صفحه ۱۶

با همکاری نشریات دانشجویی:



جهش

پردیس شهید رجایی شیراز



دنا

پردیس شهید رجایی شیراز



جوانه علم

پردیس شهید رجایی شیراز



طلوع

مرکز شهید بهشتی اقلید



آمین

مرکز شهید مطهری شیراز



ایران شهر

پردیس شهید رجایی شیراز





منبع تصویر: خبرگزاری حوزه

خواست هست به موهای سفید سرم

بعد رفت به طرف خیمه ها و عمود خیمه عباس (ع) را واژگون کرد، گفت «ای اهل حرم میر و علمدار نیامد». حالا امام می خواست برود به میدان، به زینب (س) رو کرد که «بعد من قافله سالار تویی خواهر کن». توی میدان جنگ نمایانی کرد، اما همه ریختند روی سرش. و همه دیدند که:

«بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد

اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد»

حالا دیگر اوج روضه بود. رفتیم توی حسینیه جماران، امام دستمال سفید چند لایی را جلوی صورتش گرفته و دارد گریه می کند، مردم هم شور گرفته اند و سینه می زنند، با لحن مرحوم کوثری زمزمه می کنیم:

«آه از آن لحظه ای که با تن چاک چاک

نهادی ای تشنه لب صورت خود را به خاک»

اسب امام برگشت، اهل حرم صدای سم اسب را که شنیدند:

«همه از خیمه ها بیرون دویدند

ولی سالار زینب را ندیدند»

روضه ادامه دارد و می رسد به شعر «او می دوید و من می دویدم» و بعد هم به «سری به نیزه بلند است در برابر زینب». حالا روضه تمام شد و مثل پیرمرد هایی که بعد از روضه ها سرشان را پایین انداخته اند و به خانه می روند، باید به خانه بر می گشتم.

حالا دارم فکر می کنم من که این همه سال را کربلا نرفته بودم. کاش پارسال هم نمی رفتم تا امسال کمتر فراق بکشم. اما بعد جواب خودم را می دهم که خوش به حال من و امثال من که بیشتر دوری را حس می کنیم.

پارسال توی بین الحرمین نشسته بودم و داشتم به گنبد امام حسین (ع) نگاه می کردم. پیرمرد ها و پیرزن هایی را یادم آمد که عصر های ماه صفر پای روضه می نشستند و شعر مشترک هر روز روضه خوان های پیر را گوش می کردند که «ایا کسی بود که کند یاری حسین». و شعر «بر مشامم می رسد» را یادم آمد که در همه مجلس ها می خوانند. حالا آمده بودم جایی که آرزوی چندین ساله آن پیرمرد ها و پیرزن ها بود.

شروع کردم با شعر های قدیمی برای خودم روضه می خواندم. از مکه شروع کردم، جایی که اباعبدالله (ع) برای حفظ حرمت کعبه حجبش را نیمه تمام گذاشت، با لحن روضه خوان های قدیمی برای خودم خواندم «حرم را از حرم کردند بیرون». بعد رسیدم به کربلا و «هر دم به گوشم می رسد آوای زنگ قافله». رفتم به شب عاشورا با «امشبى را شه دین در حرمش مهمان است، مکن ای صبح طلوع» و مثل کریمخانی خواندم «امشب شهادت نامه عشاق امضا می شود». آنجا را یادم آمد که امام یارانش را جمع کرد و:

«گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما

سرگیرد و برون رود از کربلای ما»

صبح عاشورا شد و «شاه گفتا کربلا امروز میدان من است». عصر شد، وقتی علی اکبرش را دید که روی خاک افتاده است. گفت «جوانان بنی هاشم بیایید، علی را بر در خیمه رسانید». بعدتر وقتی بالای سر عباس رسید، کمرش شکست، گفت:

«دیده بگشا که طبیب سر بالین آمد

دیده بگشا که حسین با دل خونین آمد

دیده بر هم منه ای سرو به خون غلطیده

تا نگویند حسین داغ برادر دیده»

عباس نعمتی

دانشجو معلم رشته شیمی



کربلا...

سارا نظری دالینی پارادوکس عجیبی است کربلا
مرکز سلمان فارسی شیراز آری...

پارادوکسی که خود خدا خالقش باشد باید هم این قدر
زیبا باشد و هنری...

غم و شادی دست در دست هم میدهند تا آرامشی را
در وجود زائر کربلایی بکارند از جنس عشق
آری عشق...

همانی که کربلا را کربلا و اربعین را اربعین گردانیده
عشق خستگی نمی شناسد، سن و جنس و مال و مقام
نمی شناسد

عشق فقط معشوق را میشناسد...

فقط حسین را میشناسد

عشق، راه کربلا را راه بهشت و کربلا را خود بهشت
روی زمین میکند

عشق رها میسازد عاشق را از هر آنچه وابستگی است
عشق عزتی میبخشد از جنس کربلا

آزادی از جنس حسین
وفایی از جنس عباس
و عظمتی از جنس زینب

میگویند لذت قدم زدن در راه مادی و زمینی رسیدن
به کربلای حسین نه توصیف شدنی است و نه قابل
قیاس با راهی دیگر
در عجبم از حال آنان که پرواز میکنند در راه آسمانی
رسیدن به معشوق

آرزوی یک دوراهی دارم...

برای خودم و برای شما

دوراهی که زیباترین و عاشقانه ترین دوراهی دنیاست
آرزوی یک بین الحرمین دارم،

هم برای قدم هایم و هم برای قدم هایتان

هم برای دلم و هم برای دل هایتان.

عزاداری و کرونا

و کوچه ها همگی مشکی پوش شدند و عزادارن با نصب پرچم
سیاه بر سردر خانه هایشان از محرم استقبال کردند.

در مراسمات، عشاق اباعبدالله (ع) همگی در صف های منظم و
مثال زدنی به عشق ارباب خود عزاداری کرده و محرم را زنده
نگه داشتند.

یک محرم دیگر را پشت سر گذاشتیم. محرمی متفاوت تر از
همیشه. محرمی که شور هر سال در آن احساس نمی شد.
اما آنچه اهمیت داشت برگزاری مراسم عزاداری و زنده نگه
داشتن محرم بود، که این امر با تمام محدودیت ها و مشکلات
به خوبی اجرا شد.

تا هست جهان شور محرم باقی است

این جلوه ی جان در همه عالم باقیست

محرم امسال هم در تاریخ ثبت شد...

ماحصل این عزاداری ها جز حسینی شدن نیست، دعا کنیم
حسینی باشیم و حسینی از دنیا برویم...

محمد صفری امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا،
دانشجو معلم تربیتی محرم متفاوتی برگزار شد. محرمی



که در آن، ماسک و مواد ضد عفونی کننده جای خود را به چای
و نذری داده بودند. محرمی که بدون صدای طبل و سنج تمام
شد. محرمی که خانه ها را تبدیل به حسینیه کرده بود و...

به دلیل شیوع این ویروس منحوس، ارزش هیئت را بهتر درک
کردیم. متوجه شدیم که دوری و فاصله از هم چقدر برایمان
سخت است. چقدر سخت است بعد از مراسم خبری از چای
و نذری نباشد، چقدر سخت است خبری از، دست دادن و در
آغوش کشیدن یکدیگر نباشد، چقدر سخت است...

هرچند محرم امسال بویی دیگر داشت اما عشق به اباعبدالله
(ع) در لحظه لحظه آن پدیدار بود. تمامی هیئت ها با رعایت
پروتکل های بهداشتی مثل فاصله گذاری اجتماعی، استفاده
از ماسک و مواد ضد عفونی کننده و... مراسم را به بهترین نحو
ممکن به پیش بردند. خیلی از مراسمات هم به صورت خیابانی
برگزار شد، خیلی از مردم در خانه ها و به صورت مجازی به
عزاداری پرداختند، هر خانه تبدیل به یک حسینیه شد، منازل



همسفر کربلا

بود پیاده روی اربعین. بنده خدا بلد نبوده که از موکب ها غذا بگیره، حمام کنه و ...

تو مسیر بردمش یه موکب حمام کرد و خدا را شکر توی موکب حضرت ابوالفضل بالاخره تونستیم یه غذایی بخوریم. خیلی دعای خیر برام کرد.

تقریبا حدودای عصر رسیدیم ورودی شهر کربلا. پیرمرده یهو ایستاد و زار زار زد زیر گریه. همین طور که گریه میکرد و پرچمش روی دوشش بود، زائرهایی که از کنارش رد میشدند، پرچمش و شونه هاش را می بوسیدند. بالاخره رسیدیم حرم، اونجا از هم جدا شدیم و شماره تلفنش را ازش گرفتم.

موقعی که از کربلا بر گشتیم ایران، بهش زنگ زدم و گفتم بهم قول بده سال دیگه منم همراه خودت ببر کربلا. اما متاسفانه امسال هم که به دلیل شیوع ویروس کرونا، داغ زیارت به دلها مان گذاشته شد.

هنوز با هاش در ارتباط هستم.

انشاء الله به حق آبروی فاطمه زهرا (س) به زودی توفیق زیارت نصیبمان بشه.

آقای بهرام اسماعیلی اربعین ۹۸ خیلی زود رفتیم. موکب ها توی مسیر نجف کربلا اکثرا بسته بودند

و برخی از اونا تازه داشتن موکب ها را سرپا می کردن و می شستند. روز اول تقریبا ۴۵ کیلومتر رفتیم. به جرات میگم، این ۴۵ کیلومتر را تقریبا زبان روزه رفتیم. چون آذوقه ای نبرده بودم و موکب ها هم هنوز فعال نشده بودند.

شب تو یه موکب یه عراقی خوابیدم. صبح موقع نماز بیدار شدم و راه افتادم. هر چه اصرار کرد بمونم صبحانه بخورم قبول نکردم.

موقعی که اومدم تو جاده، تاریکی مطلق بود و تنها بودم. نه زائری جلوم بود و نه پشت سرم.

رسیدم به یه جایی که نخلستان ها از دور معلوم بودند. حس غربیی بود. همش تصور میکردم امام حسین (ع) و یارانش از این مسیر و از توی این نخلستان ها عبور کرده اند قبلا.

یهو دیدم یه نفر از پشت سر صدام زد.

دیدم یه پیرمرد بود با شلوار کردی و یه پرچم یا حسین هم روی دوشش.

خلاصه با هم همسفر شدیم. با اینکه پیر بود اصلا بهش نمی رسیدم. ماشاءالله بدن آماده داشت. اولین بارش بود که اومده



منبع تصویر: سایت خبری دانشگاه علامه طباطبائی

هویت تاریخی در اربعین

گفتگو با دکتر سجاد صدیقی مسئول مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

به نام عاشورایی بودن نیز موضوعیت نداشت. به همین دلیل، شاید مهم ترین درس اربعین، هر زمانی و هر مکانی بودن نهضت عظیم عاشورا (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) است.

۲. مدرسه و کلاس زمانی اربعینی خواهد شد که متجلی به قیام و قعود سید الشهداء (ع) شود. مدرسه با درس عاشورایی بودن در هر زمان و مکان متشکل گردد. و دانش آموز را به عنوان عنصر یادگیرنده، به هویت تاریخی اش دعوت کند. او را به عنوان انسان قائم لبیک گوی ندای تاریخی اباعبدالله (ع) تربیت کند تا بدین سبب او خود را مصداق کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا ببیند. در این صورت است که شکل بندی زندگی انسانی ماهیتی مجاهدانه در راه حق پیدا می کند و انسان به ما هو انسان مقیاسی تاریخی می یابد که می تواند تحولات اجتماعی را در مقیاسی فراتر از زمان و مکان فهم و

۱. آنچه در اربعین مهم است، فهم این حرکت و این نهضت عظیم است. موضوع اربعین، نه فقط یک

سید هادی زندوی
معلم زیست شناسی



حرکت عزادارانه در سوگ مصیبت سید الشهداء (ع) است و نه فقط یک حرکت اعتراضی نسبت به وضع موجود. اگر اینگونه فرض شود، باید کربلا را متوقف به زمان و مکان دید که یا در همان مسیر راهپیمایی تمام می شود و یا در همین زمان حال موجود. نه اباعبدالله (ع) متوقف به زمان و مکان خود است و نه اساسا می توان این انقلاب را متوقف نمود.

کسانی که کربلا را متوقف به زمان و مکان خود و ماجرای ایستا و نه پویا فرض نموده اند، نه توانسته اند و نه می توانند زنده بودن نهضت عظیم عاشورا را تحلیل نمایند، چرا که در صورت از بین رفتن یزید، عبیدالله، شمر و عمر سعد هویتی

درک کند. و کنش خود را نه در ابعاد فردی و اجتماعی، بلکه در ابعادی تاریخی تعریف نماید.

لذا کلاسی کلاس اربعینی خواهد بود که بتواند عنصر یادگیرنده را به هویت تاریخی اش دعوت کند و او را برای زندگی مجاهدانه آماده نماید.

۳. اساسی ترین عنصر شکل دهی در تحولات اجتماعی، هویت است. هویت انسان در حضور مشخص می شود و حضور در تاریخ معنا پیدا می کند. اساسا آنچه به عنوان عنصر شکل دهی در ساختارهای اجتماعی مانند نظام تعلیم و تربیت وجود دارد، نسبت «آنچه بودیم» و «آنچه هستیم» می باشد تا با ترسیم و وصف حرکت تاریخی به «آنچه باید باشیم» برسد.

اربعین نقش اساسی در جانمایی مناسبات حقیقی عالم دارد. آنکه به اربعین متصل می شود، در واقع جای خود را در مسیر حرکت عالم مشخص می کند و با پرشی تاریخی هویت خود را به حقیقت عالم که امام معصوم (ع) است متصل می نماید.

به دلیل آنکه تحولات اجتماعی نیاز به حرکت عمومی با آهنگ و رویکردی متناسب با هویت

تاریخی دارد، شاید هیچ حرکتی به عظمت اربعین نمی تواند با دعوت کردن بشریت به لایه های عمیق و تحولات، قابلیت به هم ریختن مناسبات موجود و شکل دهی مجدد آنها داشته باشد. به همین دلیل مقیاس حرکت اربعین نه در یک حد نهضت اعتراضی نسبت به مناسبات ظالمانه موجود در عالم، بلکه به عنوان یک حرکت تمدن ساز قابل تعریف می باشد.

۴. موضوع این راهپیمایی عظیم، برای کسی که نرفته است، شاید قابل فهم نباشد. اما کسی که آن را چشیده است مانند شخص وابسته ای می شود که وقتی صدای اربعین می آید، دلش به لرزه می افتد.

در مسیر راهپیمایی تقریبا هرچه خواهیم با چند قدم مهیا می شود. سال قبل با خانواده رفته بودم و این را به پسر کوچکم گفتم. او نیز هراز گاهی چیزی دلش می خواست و می گفت. درست چند قدم جلوتر یا به آن می رسید و یا چیزی بهتر به او داده می شد. یکی از خوشی های سفر ما طلب کردن و دیدن بود.





منبع تصویر: خبرگزاری دفاع مقدس

این همه خونین کفنان

گفتگو با استاد محمد حسین انصاری نژاد پیرامون عاشورا در شعر حافظ

را شیعه مذهب دانسته اند از ابیات سروده شده توسط او شواهدی را نقل کرده اند که بسیاری از آنها تلمیح و اشاره به واقعه عاشورا و امام حسین (علیه السلام) داشته است. در این جستار تلاش بر این است که برخی از این شواهد را بیان کنیم:

یکی از مهم ترین غزلیات حافظ غزل شماره ۴۹ او هست غزلی که با مطلع «زان یار دلنوازم شکری ست با شکایت / گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت» شروع می شود. شاید بتوان این غزل را مشخص ترین و واضح ترین غزل حافظ دانست که به واقعه کربلا اشاره دارد. حافظ در این شعر در بیت سوم می فرماید:

رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس

گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت

حافظ شاعر راز و نیاز است، شاعری ست که شعرش به ابهام و ابهام معروف است. این ابهام و ابهام که شاخصه اصلی شعر او ست و باعث تمایز و جداسدن شعرش از اشعار سایر شعرای کلاسیک ایران شده، سبب گردیده تا هرکسی با ظن و گمان خودش همراه با شعر حافظ شود. شروح متفاوت و مختلفی که تاکنون بر دیوان حضرت حافظ نوشته شده خود موید این نکته ست. یکی از مباحثی که از دیرباز در مورد حافظ و شخصیت او مطرح بوده بحث مذهب او و سنی یا شیعی بودن این شاعر بزرگ است. بنابر شواهد تاریخی که از شیراز قرن هشت برجای مانده است غالب مردم شیراز اهل سنت بوده و پیرو مذهب شافعی. هرکس به تناسب مذهب و مشرب فکری خود سعی کرده شعر حافظ را تفسیر کند لذا برخی بر اساس یکسری شواهد حافظ را سنی و برخی نیز شیعه دانسته اند. کسانی که حافظ

حمیدرضا جعفری زاده
دانشجو معلم رشته ادبیات فارسی



حافظ است. غزلی که با بیت «شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان / که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان» آغاز می شود. شارحان شیعی مذهب در شرح این غزل گفته اند بیت نخست این غزل در واقع تصویرسازی از چهره قمر منیر بنی هاشم است و ذکر اوصاف ایشان است. در بیت دیگری از این غزل (بیت ششم) حافظ می فرماید:

**پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد
گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان**

برخی از مفسرین گفته اند این بیت نیز اشاره به صحبت و گفتگویی دارد که بین حضرت ابوالفضل (ع) و شمر در روز عاشورا رخ داده است، آنجا که شمر با امان نامه به نزد حضرت ابوالفضل (ع) می آید و ایشان امان نامه را رد می کنند و از صحبت با پیمان شکنان پرهیز می کنند.

یکی دیگر از ابیات بسیار مهم و معروف از دیوان حافظ که اشاره ای صریح به واقعه عاشورا دارد بیت هشتم از غزل مذکور هست بیتی که در آن حافظ می گوید:

با صبا در چمن لاله می گفتم

که شهیدان که اند این همه خونین کفنان

بسیاری از افراد این بیت را نیز جز ابیات عاشورایی دیوان حافظ دانسته اند که به واقعه عاشورا اشاره دارد. در باب این غزل نیز نقل است یکی از علما شبی حافظ را در خواب دید که بسیار خندان و شاداب بود زمانیکه علت را از حافظ جویا شدند حافظ اذعان داشت که این همه جاه و مقام که در دنیا به دست آورده ام همه از ارادت و عرض ادبی هست که در این غزل به حضرت ابوالفضل (ع) داشته ام.

شعر حافظ سراسر پیچیدگی و ابهام و ایهام هست و او شاعری ست رند. شاعری که رندانه بسیاری از مضامین را در اشعارش آورده است و برای پی بردن به این مضامین رندانه لازم است تا با دقت و تأمل در اشعار او غور کرد. به یقین اگر در اشعار او تفکر و تأمل بشود مضامین و اشارات عاشورایی دیگری نیز می توان یافت.

این بیت را شاید بتوان آشکار ترین بیتی دانست که به واقعه عاشورا اشاره دارد. شاید بتوان به جرات گفت واژگانی نظیر تشنه لب، آب، آب ندادن، ولی شناسان، ولایت مشخصا اشاره به واقعه عاشورا و عطش امام و یارانشان در صحرای کربلا دارد. در بیت چهارم از همین غزل حضرت حافظ می فرماید:

در زلف چون کمندش ای دل میبچ کانجا

سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت

این بیت هم شاید اشاره ای به واقعه کربلا و شهادت امام حسین و یارانشان و قطع شدن سرهای مبارک شهدای دشت نینوا داشته باشد.

در بیت ششم از غزل مورد نظر آمده است که:

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود

از گوشه ای برون آی ای کوکب هدایت

برخی از شارحان دیوان حافظ این بیت را تلمیحی از حدیث حضرت علی (ع) دانسته اند که ایشان نیز به نقل از پیامبر اسلام (ص) بیان فرموده اند که: ستارگان امان و مصونیت اهل آسمان هستند، پس هرگاه ستارگان نیز بین بروند آسمانی ها نیز از بین می روند و خاندان من امان و مصونیت برای اهل زمین هستند، پس هرگاه اهل بیت من از میان بروند اهل زمین از بین خواهند رفت. شارحان (کوکب هدایت) را حضرت مهدی (عج) دانسته اند که در زمان کنونی در پس پرده غیبت به سر می برند.

در باب این غزل نقل است که علامه طباطبایی یک شب حضرت حافظ را در خواب دیدند که زیر لب این شعر را زمزمه می کرد و اشک از چشمانش جاری بود زمانی که از او علت گریه را پرسیدند حافظ عرض کرده بود که من این شعر را برای سیدالشهدا سروده ام و این گریه من نیز به خاطر مصائب ایشان هست.

یکی دیگر از غزل هایی که آن را به اهل بیت امام حسین نسبت داده اند غزل شماره ۷۸۳ از دیوان



عزیز دیر مغان

حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود.

این آتشی که هرگز خاموش نمی‌شود در سینه حافظ وجود دارد. امتحان کنید اینبار که به کربلا رفتید بیت‌هایی از حافظ که پیر مغان و دیر مغان دارد را بخوانید. می‌بینید که معنایش را بهتر درک می‌کنید.

برگرفته از سخنرانی دکتر محمدهادی همایون در همایش دولت قرآن



در اشعار حافظ الفاضلی نظیر پیر مغان، دیر مغان و غیره را زیاد مشاهده می‌کنیم. پیرمغان در شعر حافظ وجود مقدس سیدالشهدا(ع) است و دیر مغان نیز اشاره به کربلا دارد.

در خرابات مغان نور خدا می‌بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

جلوه بر من مفروش ای ملک الحاج که تو

خانه می‌بینی و من خانه خدا می‌بینم

مشخص می‌شود که حافظ به کربلا رفته است. مثل ما هم نرفته در آنجا جایگاهی داشته و دارای عزت بوده است یعنی تنها برای زیارت به کربلا نرفته است. در بیت زیر به این مسئله اشاره می‌کند.

از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند

که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المومنین، لا تبرد ابدا.» برای شهادت حسین(ع)

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

امام حسین (ع) بخوانند. دو بند از شعر علامه طباطبایی در ادامه می‌آید:

گفت هرچند عطش کنده بن و بنیادم

زیر شمشیرم و در دام بلا افتادم

هدف تیرم و چون فاخته پر بگشادم

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

لوحه سینه من گر شکند سم سطور

ور سرم سیر کند شهر به شهر از ره دور

باک نبود که مرا نیست به جز شوق حضور

سایه طوبی و غلمان و قصور و رخ حور

در هوای سر کوی تو برفت از یادم

برگرفته از سخنان آیه الله دزکام در خطبه‌های نماز جمعه ۲۰ مهر ۹۷

امیرالمومنین (ع) فرموده است: اگر تقوا داشته باشید از سلطه هر جانوری و شیطانی در نجات هستید، تقوا شما را آزاد می‌کند از اینکه دیگران بر شما چیره باشند. آدم باتقوا غیر از خدا از هیچ کس نمی‌ترسد، غیر از خدا دل به هیچ کس نمی‌بندد. این یعنی آزادی از همه چیزی که دیگران گرفتارش هستند. همین سخن امیرالمومنین (ع) را که فرموده است هرکس باتقوا بشود از همه قید و بند‌ها آزاد است، خواجه شیراز جناب حافظ به شعری در آورده است که: فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم/ بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم.

مرحوم علامه طباطبایی به استقبال حافظ آمده است و گفته من مصداق این سخن را نشان‌تان می‌دهیم. نشان‌تان می‌دهم کی هست که بنده عشق است و از هر دو جهان آزاد است. پنج بیت این غزل را مرحوم علامه طباطبایی تضمین کرده و تطبیق کرده است به وجود مقدس و با عظمت سالار شهیدان (ع). می‌گوید امام حسین (ع) این جوری است.

علامه طباطبایی که این اشعار را برای برادرش در تبریز فرستاده و گفته است بگویید این شعرها را در مجلس عزای



منبع تصویر: خبرگزاری تسنیم

تربیت اربعینی

نشده اند. ما می توانیم دانش آموزان را متناسب با سن آنها با کودکان ابا عبدالله الحسین (ع) و اربعین در کلاس درس آشنا کنیم. مثلاً از احساس حضرت سکینه (س) برای دانش آموزان خود بگوییم. چون بچه ها مشابه سازی می کنند.

گام به گام تا عاشورا

یکی از راه های بهره وری از اربعین در کلاس درس در زمینه آموزش واقعه کربلا و عاشورا به دانش آموزان این است که آرام آرام و گام به گام کودکان را با این مساله آشنا کنیم و بهترین روش آموزش هم این است که به هر کودکی با توجه به سنی که دارد آموزش داده شود.

کودکانی که کوچکتر هستند و تقریباً زیر ۳ سال هستند بهترین روش آموزش الگوبرداری و مشاهده رفتار است. کودکانی که می بینند در ایام خاصی والدینشان لباس های مشکی می پوشند و به مسجد می روند و عزاداری می کنند، اولین قدم برای آشنایی با عاشورا را برداشته اند.

کودک معمولاً وقتی وارد یک مکان می شود، اول به کودکان دیگری که در آن مکان حضور دارند نگاه می کند. وقتی ما بچه های خود را به مجالس امام حسین (ع) می بریم، اولین کاری که می کنیم باید آنها را با کودکان کربلا آشنا کنیم. در دوران کودکی بسیاری از مفاهیم برای بچه ها قابل انتقال نیست. اما اگر ما با عاطفه و حماسه هایی چون کربلا و اربعین، در حدی که برای آنها قابل فهم باشد مصائب کودکان امام حسین (ع) را بیان کنیم، بچه ها عمیقاً با آن ارتباط برقرار می کنند. تأثیری که اربعین بر روی کودکان ما می گذارد بسیار متفاوت است. مثلاً اگر درباره حادثه ای ناگهانی در زندگی برای آنها صحبت شود. شاید اعصاب کودک ما تحریک شده و بترسد. اما روضه های ابا عبدالله الحسین (ع) لطافت خود را دارند. بسیاری از کودکان در این حماسه ها گمنام هستند. روضه های مشهور آنقدر مردم را تحت تأثیر قرار داده اند که مردم متوجه مسائل دیگر

پری فهندژ سعدی
مرکز سلمان فارسی شیراز



می تواند در کلاس درس مراسم های کوچک برگزار کند تا دانش آموزان مفهوم را بهتر درک کنند.

قصه خوانی عاشورا

به دلیل اینکه بهترین راه آموزش به کودکان خردسال تر آموزش غیر مستقیم می باشد، تهیه کتاب داستان با موضوعات عاشورا برای کودکان و خواندن آن یکی از راه های خوب است.

تعزیه

بردن دانش آموزان به تعزیه و دیدن نمایش در زمینه عاشورا نیز می تواند کمک بزرگی به کودکان داشته باشد تا راحت تر بتوانند با واقعه کربلا و عاشورا آشنا بشوند.

منابع:

fa.alkawthartv.com

beytoote.com

برای کودکان بزرگتر و بالای ۳ نیز به دلیل اینکه دامنه لغات آنها تقریباً تکمیل شده است و می توانند حرف بزنند بهترین روش این است که برای هر کودک با توجه به سنی که دارد ساده و روان عاشورا و اربعین را توضیح دهیم. معلم فقط باید توجه داشته باشند که از زیاده گویی و جزئی گویی خودداری کنند و داستان ها را با کلمات بسیار ساده و روان توضیح بدهند. یکی از راهبرد های استفاده از حماسه کربلا و اربعین حسینی استفاده از کتاب قصه در کلاس درس می باشد.

همراهی خانواده

یکی دیگر از راه هایی که می توان با آن به کودکان و حتی نوجوانان، اربعین حسینی را آموزش داد، حضور و همراهی همه اعضای خانواده در مراسم مذهبی، مساجد و هیئت ها می باشد. وقتی یک کودک ببیند که پدر و مادرش و بقیه اعضای خانواده اش چقدر مشتاق شرکت در مراسم عزاداری هستند او هم این اشتیاق را به دست می آورد و هم در ذهنش به کنجکاو نسبت به این اتفاق می رسد. معلم هم

تربیت در محرم و صفر

آرامش خود را در پایین کشیدن پرچم سرخ حسین و بیرق سبز فرزندش حضرت صاحب الزمان (عج) می دانند.

حوادثی که در کربلا اتفاق افتاد، می تواند درس های بزرگی برای کودکان و نوجوانان باشد و می توان گفت کودکان ما می فهمند و علاقه دارند که با شخصیت های حاضر در این میدان ارتباط برقرار کنند.

در واقع در ماه محرم و صفر و ایام سوگواری این دوماه در تربیت کودکان و نوجوانان سهم ویژه ای دارند. مهمترین شرکت کنندگان در عزاداری ها، کودکان و نوجوانان هستند و می توانند بیشترین بهره را بگیرند و آینده این جامعه را با سبک زندگی حسینی و با معرفت امام حسین (ع) بسازند. خانواده ها اگر می خواهند برخی از آسیب های اجتماعی و فردی موجود در خانواده و کودکان اصلاح شود باید از ماه محرم و صفر و رویدادهای این دو ماه نهایت استفاده را ببرند. در قیام عاشورا، شهادت امام حسین (ع) و فرهنگ تربیتی آن، ایثار و از خودگذشتگی و عرفان و دعا و مناجات و ظلم ستیزی، یاری کردن مظلوم و آنچه به عنوان زندگی متعالی می خواهیم، وجود دارد و می تواند به کودکان و نوجوانان دیدگاه متعالی بدهد که آینده خود را به جای مشغول شدن به اهداف پوچ با یک انگیزه قوی بسازند. و این فرهنگ می تواند در شغل و درس، مسائل اجتماعی و فرهنگی و تشکیل خانواده در آینده به آن ها کمک بکند. لذا خانواده ها و متولیان برگزاری مجالس عزا از جمله مدیحه سرایان و ذاکرین اهل بیت (ع) باید نسبت به نکات تربیتی مربوط به کودکان در این ایام حساس باشند.

واژه شیرین و ماندگار اربعین و

نگار رنجبر

بیستم ماه صفر سال ۱۶ هجری قمری مصادف با اربعین شهادت

مرکز سلمان فارسی شیراز



فرزند حضرت زهرا(س) و سومین امام معصوم شیعیان، امام حسین(ع) است که براساس نظر فقیه شهرشیرخ مفید، زمان بازگشت اصحاب و انصار و اسیران عاشورای اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از شام به کربلای معلی و اقامه اولین زیارت و عزاداری بر مزار غریب و غبار گرفته امام حسین (ع) و در نهایت شکل گیری واژه شریف اربعین در تاریخ است.

با ظهور اربعین و تدبیر هدایت پیام رسان کربلا حضرت زینب کبری (س)، انقلابی در عاشورای حسینی رخ نمایند و خیزش دیگری در مصحف مبارک تشیع بروز کرد. عمق ماجرای پرمعجزه اربعین از ابتدا تا انتهای عالم نمایان است و نقش سبز و سازنده این واقعه اخلاقی و انسانی در بلندای پرچم ظهور منجی عالم بشریت هویدا است.

نقش تربیتی این حادثه بزرگ اجتماعی در تنظیف و تهذیب نفوس آدمیان فارغ از حیطه ادیان و اعتقادات و نژاد و رنگ و مکتب و مذهب و تمدن، امروز به یک نهضت عظیم سازندگی در ابعاد روحی، روانی، جسمی و جغرافیایی تبدیل شده و جهانی را متوجه خود کرده است. درواقع آثار تربیتی اربعین در عرصه عالم به قدری مفید و متنفذ است که با هیچ نرم افزاری در هزاره سوم و عصر انفجار علوم امروزی قابل مقایسه و معاوضه نیست و اعجاز آن همه اندیشمندان و عالمان را به واکنش واداشته است. سردمداران جهان سلطه غرب تنها راه کاهش سرعت این کشتی نجات بشریت و

اربعین و ظهور

کنیم. یعنی همانطور که امام زمان (عج) مسیر حضرت سیدالشهداء (ع) را ادامه می دهند، منتظران نیز در اربعین حسینی آمادگی خود برای همراهی و یاری امام زمان (عج) را اعلام می کنند.

زمینه سازی برای ظهور نیاز به جهاد با مال و جان دارد. همانگونه که در زیارت اربعین، زائران با سختی های روحی، جسمی و مالی عاشقانه به سمت امام حسین (ع) می روند. منتظران هم باید سختی های مسیر ظهور را به جان بخرند.

البته لازم به ذکر است که ما نباید خدمت در اربعین را محدود به خدمات به اسکان و تغذیه کنیم چرا که می توان با استفاده از هنر، فضای مجازی و تبلیغات نوین و پیشرفته امروزی، فرهنگ سازی را که امری مهم و خطا ناپذیر است را ارتقا دهیم.

وقتی اربعین می شود ما شاهد حضور چند میلیون نفری مردم هستیم!

حمیده نوروزی

پردیس شهید باهنر شیراز



پیاده روی عظیم و چندمیلیون نفری اربعین در واقع رزمایش حضور منتظران و نشانگر ارادت و محبت آنان نسبت به امام شهید و امام زمان (عج) در عصر ظهور است. در واقع اربعین، فرصتی است که منتظران با عشق عمیق و جدیت آمادگی برای ظهور و یاری امام مهدی (عج) را در عمل نشان دهند.

و از طرفی فضای اربعین و پیاده روی آن، فضای تقوا، ایثار، وحدت و همدلی است که با نگاه جامعه منتظر یکسان است. به طور کلی اربعین موسمی است که زمینه تمرین و وحدت را برای ظهور ایجاد می کند.

همه انسان ها دارای سرمایه های عظیم و ارزشمند بالقوه هستند که باید به فعلیت رسانده شوند. فضای اربعین این حقیقت را آشکار می کند و می توانیم با استفاده از آن برنامه هایی را برای ظهور تدوین



تمدن سازی در اربعین

فرمودند:

حضرت امام خمینی (ره) با رهبری هوشمندانه و خردمندانه خود جنگ را به مدرسه ای انسان ساز تبدیل کردند. امروز هم رهبر معظم انقلاب پیاده روی بزرگ اربعین را تبدیل به همان مدرسه انسان سازی کردند تا با سختی های مسیر، دل های خود را پاک سازند و بر معنویت خود بیفزایند.

امسال که این بیماری منحوس مانع برپایی این همایش بزرگ درامت بزرگ مسلمانان جهان شده و همه ارادتمندان امام شهیدمان را در غم و غصه ای بزرگ گرفتار ساخته، به لطف خدا بجای پیاده روی بزرگ اربعین هرطور که بتوانیم مطابق پروتکل های بهداشتی و نظر ستاد مقابله با کرونا ارادتمان را به سیدالشهدا (ع) نشان خواهیم داد.

اربعین حسینی تبدیل به نماد وحدت و قدرت مسلمانان جهان شده و ما را در قبال دسیسه های دشمنانمان بیمه کرده است. اربعین در ساخت و پیشرفت تمدن بزرگ اسلام نقش محوری را بازی می کند و ما را به کوری چشم خبیثان عالم روز به روز قوی تر از قبل نگاه می دارد.

به امید روزی که تمدن نوین اسلامی در همه عرصه های خود بطور کامل محقق شود و نمونه ای باشد برای دیگر ملت های جهان.

نیماد هقان دانشجو معلم علوم تربیتی



وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دل هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۳۹۳۱/۰۱/۹۱

سال هاست که نام اربعین حسینی با پیاده روی در هم تنیده شده است و همه از هرجا که بتوانند به سمت امام حسین (ع) حرکت می کنند. بعضی ها از محل سکونت، بعضی ها از مرز، بعضی ها از درون شهرها و خلاصه که همه به نوعی ارادتشان را به امام شهیدشان نشان می دهند. مهمترین ثمره این حرکت، نشان قدرت اسلام است و وحدتی که در کنار آن به تمام دنیا مخابره میشود.

تمدن نوین اسلامی به بیشترین چیزی که نیاز دارد همین وحدت است که تمام دشمنان اسلام هر ساله بدنبال ضربه زدن به آنند و امت فهیم اسلام هم هر ساله با حرکات خودجوش اینگونه توطئه ها را خنثی می کنند.

شهید حاج قاسم سلیمانی دریکی از سخنرانی ها



از این ستون به آن ستون

مهدی اکبر نژاد

مرکز شهید مطهری شیراز

نویسنده این اثر، زائری است که حاصل تجربه های تلخ و شیرین و غریب و آشنای خود را از چندین سفر پربرکت پیاده روی اربعین گرد آورده و با نقلشان در قالب خاطراتی پرحلاوت، آن ها را با مخاطبان خود سهیم شده است. مخاطب در این کتاب، ضمن موقعیت های مختلف و در خلال صحنه های گوناگون، همسفر راوی کتاب می شود و گام به گام با او، آنچه را در منازل مختلف این سفرها بر نویسنده کتاب رفته، به تماشا می نشیند.

نکته جالب توجه در این اثر موقعیت های مختلف راوی در این خرده روایت هاست. او گاه در مقام خادم و گاهی در مقام مهمان، گاه در نقش مسئول کاروان و گاهی در موقعیت فعال فرهنگی، گاه به عنوان ناظر و گاهی در جایگاه موضوع روایت ها حضور دارد و این گونه زاویه های دید، بر شیرینی این خاطرات برای مخاطبان اثر افزوده است.

محمدرضا وحیدزاده، متولد سال ۴۶۳۱ در تهران، کارشناس زبان و ادبیات فارسی و کارشناس ارشد پژوهش هنر است. او همچنین عضو گروه علمی ادبیات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. وحیدزاده منتقدی است که در کنار شاعری به کار تحقیق و پژوهش در هنر و ادبیات معاصر نیز مشغول است. او تا کنون مقالات و یادداشت های بسیاری را در موضوعات مختلف در مطبوعات منتشر کرده است. از او همچنین دو مجموعه شعر به نام های «اقرار» و «پیشواز» به چاپ رسیده است. اثر پژوهشی «سبک شناسی هنر انقلاب اسلامی» و سفرنامه «ماهی خوران» از دیگر آثار منتشره اوست.

از این ستون به آن ستون

محمدرضا وحیدزاده | خرده روایت هایی از پیاده روی اربعین



انتم الشرفاء ، انتم الکرماء

از جمله سال هایی بود که عبورمان از مرز سخت شده بود. ویزای یکی دو نفر از هم کاروانی هایمان اشکال پیدا کرده بود و اتوبوس هایی هم که ترانزیتشان کرده بودیم، موقع عبور از پایانه به مشکل خورده بودند. چندین ساعت این سوی مرز و چندین ساعت هم آن سو، خسته و بلا تکلیف، معطل یک خبر مانده بودیم. بالاخره هر طوری بود از مرز رد شدیم و راه افتادیم به سمت نجف. سرانگشتی حساب کردیم، از تهران تا نجفمان شده بود چهل ساعت.

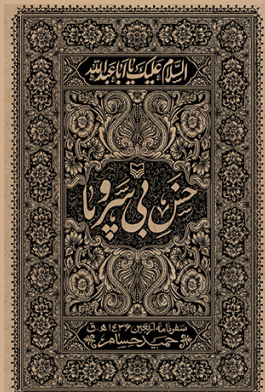
در مسیر نجف، برای ناهار، در یکی از موکب های بین راه توقف کردیم. خوشحالی خادمان موکب از توقف اتوبوسمان در آنجا و اشتیاقشان به پذیرایی و خدمت، خستگی را از تنمان بیرون کرد. بعد از نماز و ناهار، و پیش از خدا حافظی، طبق قراری که از تهران باهم گذاشته بودیم، به نشانه ی قدردانی بلند شدیم و سرودی را که از قبل آماده کرده بودیم، باهم خواندیم: «انتم الشرفاء، انتم الکرماء، خدمه للحسین، تبذلون العطاء...» شعری بود که سال های پیش حاج میثم مطیعی در هیئت میثاق با شهدا خوانده بود.

جلوی در موکب حلقه زدیم و ضمن خواندن گروهی، شروع کردیم به سینه زدن. خادمان هم ایستادند و با تآثر و شوق، ما را همراهی کردند، «یا حسین، یا حسین، یا ضیاء کل عین...» به اذعان همه بچه ها، اشک پیرمرد موکب داری که روی صندلی نشسته بود و سینه زنان می گریست، همه ی چهل ساعت سختی راه را شست و برد.



سر بر خاک دهکده

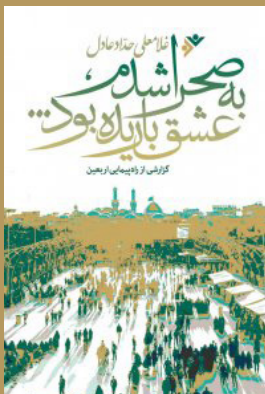
معرفی سفرنامه های اربعین



خس بی سر و پا | حمید حسام

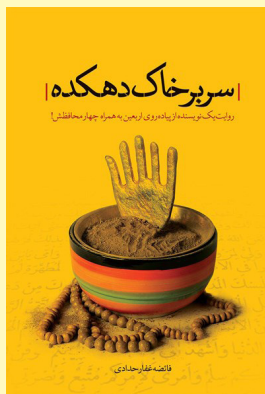
این آغاز سفری است که قرار است ما را به 'معراج اربعین' ببرد. فی‌المجلس دفتر یادداشت‌ها را باعجله باز می‌کنم و چون قرار است منزل به منزل تا اربعین بنویسم، سفر را با این جملات آغاز می‌کنم: "مثل همیشه جا مانده‌ام و قرار بود خودمان را به میدان عاشورا برسانیم و نرسیدیم، ولی با تأخیر به میدان کربلا رسیدیم. درست مثل عملیات بیت‌المقدس ۲ در سال ۶۶، در زمستان پربرف 'ماووت' عراق که فردای عملیات رسیدیم". حمید قمری، حسین کاشانی، علیرضا نادری و علی اسماعیلی پکر و گرفته بودند که وارد شدم. عباس نوریان مسئول واحد دیده‌بانی، لبخندی زد و گفت: "دیر آمدی حمید، دیر آمدی! تو مثل طایفه بنی‌اسد هستی که خودشان را به کربلا رساندند، ولی خیلی دیر..."

به صحرا شدم عشق باریده بود | دکتر غلامعلی حداد عادل



این دفتر ره‌آورد سفر کربلاست؛ سفری در آبان‌ماه سال نودوشش، که نویسنده توفیق همراهی با راه‌پیمایان اربعین حسینی را داشته‌است. این راه‌پیمایی جوانه‌ای بالنده است و نو، روییده بر تنهٔ ستبر درختی کهن با ریشه‌ای هزار و چهارصد ساله در عمق تاریخ که رشدی سریع دارد. رود خروشان که از همه‌سو در اربعین به‌سوی کربلا روانه می‌شود می‌تواند زمین‌های تشنهٔ جهان اسلام را سیراب کند و سرسبز سازد. راه‌پیمایی اربعین به‌صورتی که در سال‌های اخیر مرسوم شده‌است، دست‌کم برای عموم ایرانیان، پدیدهٔ تازه‌ای است با ظرفیت بسیار و ابعاد دینی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی گوناگون، و فرصت مغتنمی است برای مردمی که به انقلاب اسلامی دلبسته‌اند و در چهل سال گذشته با نثار جان و مال خویش از آن محافظت کرده‌اند. جای آن است که اهل فکر و قلم به واکاوی ابعاد مهم راه‌پیمایی اربعین همت گمارند و با تحلیل معانی و آثار این سنت ارزشمند در تقویت آن بکوشند...

سر بر خاک دهکده | فائضه غفار حدادی



سر بر خاک دهکده روایت سفر بانوی نویسنده، فائضه غفار حدادی از پیاده‌روی اربعین در سال ۱۳۹۷ است.

فائضه غفار حدادی، نویسنده کتاب «خط مقدم» این بار به قلمش رنگ و بوی اربعین داده و از سفری نوشته است که پر از رحمت و برکت و جاذبه است.

در این کتاب نویسنده به جاذبه‌های سفر اربعین پرداخته و آن را با سفرهای اروپایی مقایسه کرده است.

سر بر خاک دهکده، روایت جذابی از یک سفر معنوی توأم با اشک و لبخند است.

عمود ۱۴۰۰ | علی اکبر والایی



«عمود ۱۴۰۰» به قلم علی‌اکبر والایی (متولد ۱۳۴۴)، روایت سفر پیاده‌روی اربعین است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

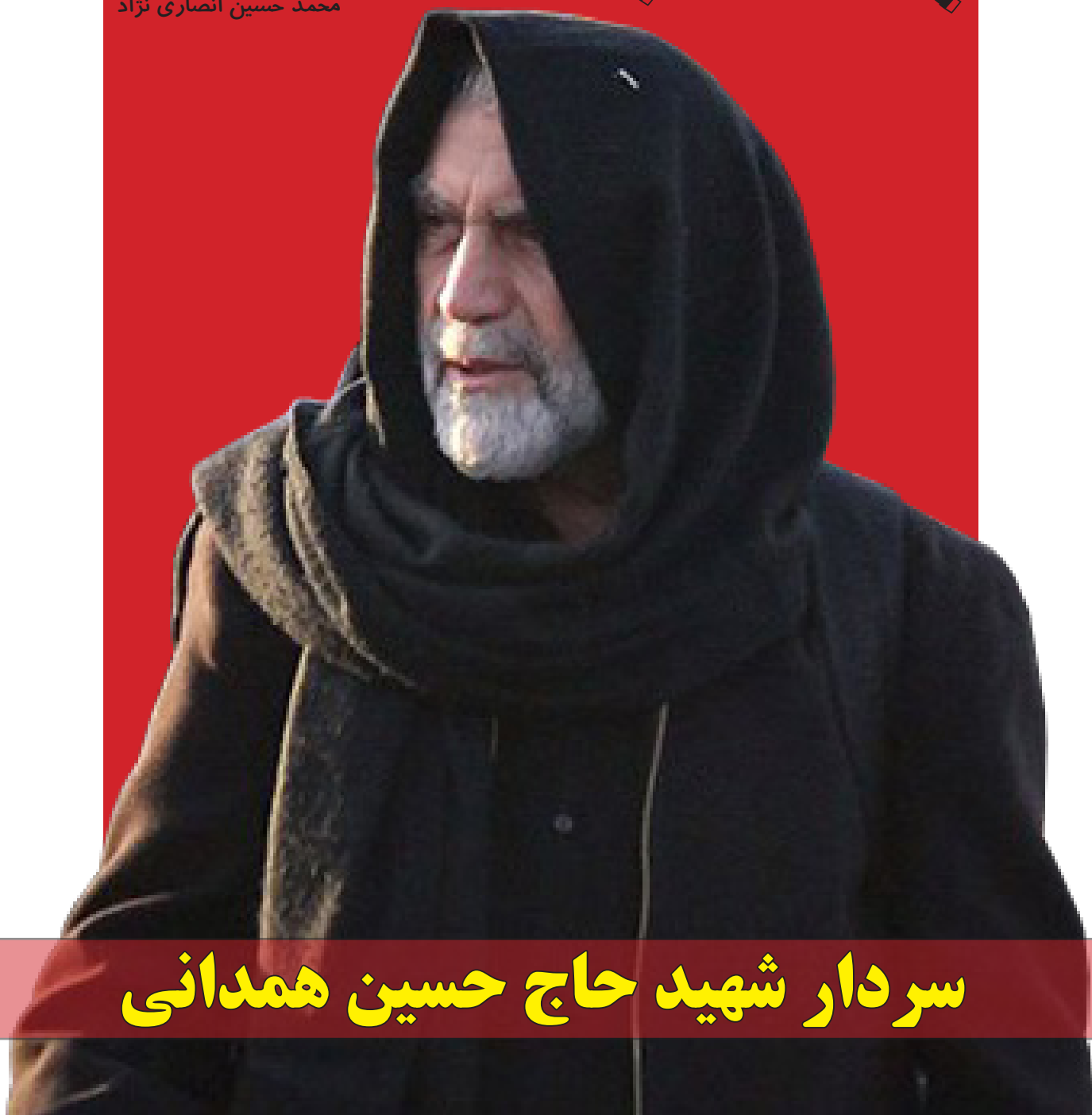
همه‌چیز ناگهانی رخ می‌دهد: مثل یک حادثه‌ای نامنتظر، غیرمحمتمل و پیش‌بینی‌نشده؛ مثل رعدوبرقی ناگهانی در هوایی سرد پاییزی؛ درست مثل بارانی طوفانی و سیل‌آسا، در شبی تاریک. در ابتدا هیچ قصدی برای سفر نداشتم. حتی تبلیغات رسانه‌ای سایت‌ها، شبکه‌های مجازی، اخبار و گزارش‌های پیاپی تلویزیون و همچنین تیزرهای تبلیغاتی پیاده‌روی نجف تا کربلا، تصمیمی در من ایجاد نکرده بود. تا آنکه...



شهید سعید شفاعت دومین شهید سلامت استان فارس

سرشار شور حبيب و
دلواپسى هاى عابى
در غربتى گر بلاى
چشمش به شط فرات است

محمد حسين انصارى نژاد



سردار شهيد حاج حسين همدانى